دوفصلنامه علمی ـ ترویجی مطالعات فقه امامیه
سال چهاردهم/ شماره ۲۶/ بهار و تابستان ۱۴۰۵

Bi-Quarterly Scientific Promotional Journal in Imamiyah Jurisprudence
Year 14 Issue, No 26/ Spring & Summer 2026

بررسی حق حبس زوجه از نظر فقه امامیه و حقوق *

□ محمداسحاق حبیبی **

چکیده

موضوع این مقاله، بررسی حق حبس زوجه از تمکین خاص است؛ یعنی زوجه تا زمانی که مهر خود را دریافت نکرده، حق دارد از مقاربت با زوج امتناع کند. این حق محدود به حال بودن مهر و عدم تمکین زن است و موجب نشوز زوجه نمی‌شود.

هدف پژوهش، بررسی و اثبات حق حبس زوجه از تمکین خاص، با استناد به منابع معتبر فقهی امامیه و مواد ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ قانون مدنی ایران است. مادۀ ۳۷۷ قانون مدنی حق حبس را به عقود معاوضی و طرفین معامله نسبت داده است؛ در حالی که در مورد معاوضی بودن عقد نکاح اختلاف وجود دارد. بیشتر فقیهان امامیه نکاح را از عقود معاوضی دانسته و حق حبس را در آن جاری می‌دانند، در مقابل، عده‌ای به دلیل فقدان شرایط عقود معاوضی در نکاح، حق حبس را در آن جایز نمی‌دانند.

این نوشتار با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد کتابخانه‌ای، حق حبس در نکاح را از سه منظر بررسی می‌کند: قرار گرفتن مهر در برابر بضع، حق اولویت، و قاعدۀ استثنایی. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش عبارت است از: شهرت فقهی ـ حقوقی حق حبس زوجه در عقد نکاح، تضمین حقوق زوجه نسبت به مهر و زندگی زناشویی، و حفظ قداست و برتری عقد نکاح نسبت به عقود معاوضی.

کلیدواژه‌ها: حق حبس، زن، مرد، مهر، نکاح، تمکین خاص.

---

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۵/۴/۳۰.

**. سطح چهار فقه و اصول جامعة المصطفیﷺ العالمیه (mohmmadeshaqhabibi@gmail.com).

مقدمه

مطابق نظر مشهور فقیهان و مواد ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ قانون مدنی ایران، زوجه حق حبس و امتناع از تمکین دارد؛ این حق با دریافت مهر و نزدیکی زوجه با زوج از بین می‌رود.

با توجه به اینکه مبنای حق حبس، عقود معوّض و معاملات معاوضی است، آیا عقد نکاح از عقود معاوضی مانند بیع است تا حق حبس در آن جاری شود؟ آیا معاوضی شمردن عقد نکاح از قداست و جایگاه ارزشی آن نمی‌کاهد؟ آیا تشویق زنان به اجرای حق حبس و عدم توانایی زوج در پرداخت مهر، موجب مشکلات در زندگی زناشویی نمی‌گردد؟

در معاوضی شمردن عقد نکاح وحدت نظر وجود ندارد؛ لیکن شمار قابل توجهی از اندیشمندان فقهی و حقوقی ـ به سبب قرار گرفتن مهر در برابر بضع ـ آن را از عقود معوّض شمرده یا به عنوان قاعدهٔ استثنا، حق حبس را در عقد نکاح پذیرفته‌اند. معاوضی بودن عقد نکاح مانند عقد بیع و سایر معاملات نیست؛ نگاه صرف معاملاتی به عقد نکاح باعث کاهش جایگاه واقعی آن می‌گردد؛ به همین دلیل، حق حبس برای زوجه در نکاح به عنوان حق اولویت و قاعدهٔ استثنایی پذیرفته شده است. با توجه به اینکه با عقد نکاح، زوجه مالک مهر می‌گردد و حق تصرف در آن را پیدا می‌کند، وجود حق حبس برای زوجه ـ به عنوان ضمانت اجرا برای دستیابی به مهری که حق شرعی و قانونی اوست ـ ایرادی ندارد؛ بنابراین، بهانه‌ای برای بروز اختلاف و تنش در زندگی زناشویی باقی نمی‌ماند.

پیشینهٔ تحقیق نشان می‌دهد فقیهان و حقوقدانان مشهور، مانند محمد نجفی در جواهر الکلام، محقق حلی در شرائع الاسلام، شهید ثانی در مسالک الافهام، و نیز ناصر کاتوزیان، سید حسن امامی و محمدجعفر جعفری لنگرودی در حقوق خانواده، مباحث علمی و ارزشمندی دربارهٔ حق حبس زنان در عقد نکاح مطرح کرده‌اند. علت تنظیم مقالهٔ حاضر، طرح و تدوین منسجم و کاربردی این بحث و تثبیت حق حبس زوجه با استناد به منابع معتبر فقهی است.

ضرورت تحقیق از آنجا منشأ می‌گیرد که یکی از راه‌های تثبیت جایگاه واقعی زنان،

ترویج و تبیین حق حبس آنان در عقد نکاح است. شارع مقدس جایگاه ویژه‌ای برای زنان قرار داده که متأسفانه آن‌چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته است؛ رابطهٔ نیک پیامبر گرامی اسلام با دخترش حضرت فاطمه در دورانی که دختر بودن و دختر داشتن قباحت داشت، اختصاص نام کوثر در سورهٔ کوثر به حضرت زهرا و نزول آیات کریمهٔ سورهٔ انسان در شأن و منزلت آن حضرت، بیان‌کنندهٔ عظمت مقام زن است.

شکی نیست که مهر حق مسلم زنان است، اما گرفتن آن همیشه آسان نبوده و نیست؛ بنابراین، گسترش فرهنگ حق حبس، وسیله‌ای سهل و در عین حال قانونی برای دسترسی زنان به مهر است.

هدف از بررسی موضوع حق حبس، آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی در جهت استفادهٔ درست از آن، تسهیل دریافت مهر، و ایجاد دلگرمی، نشاط و استقلال مالی در زندگی مشترک است (صفایی و امامی، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

مفهوم شناسی

الف) مهر

واژهٔ مهر کلمهٔ عربی است، در فارسی آن‌را کابین گویند؛ از مهر به صداق، صداقیه، کابین، قرض و مهریه نیز تعبیر شده است (زمانی‌دادمرزی، ۱۳۸٦: ۳۷). مَهر مالی است که به مناسبت عقد نکاح مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱/ ۱۳۸). یا الزامی است که از طرف قانون برمرد تحمیل می‌گردد و باید زوجین هنگام عقد یا پس از آن، در مورد مقدار آن توافق کنند (همان).

اهمیت مهر

با عنایت به اینکه وجود مهر در عقد نکاح، عنایت ویژه به مقام و جایگاه ارزشمندِ زن است، ولی عدم مهر یا کسر آن باعث به هم خوردن زندگی نمی‌گردد؛ زیرا ضرر ناشی از مهر، به مراتب کمتر از ضرر ناشی از جدایی و طلاق است.

ماده ۱۰۸۱قانون مدنی مقرر نموده «اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود، نکاح و مهر صحیح و شرط باطل است» بنابراین، عدم پرداخت مهر در مدت تعیین شده (شایگان، ۱۳۳۹: ۳٦۷) یا عدم تعیین آن در هنگام عقد و توافق زوجین پس از عقد، به صحت نکاح آسیب نمی‌رساند (محقق داماد، ۱۳٦۷: ۲/ ۲۲٦). همچنین سکوت زوجین یا توافق آنان بر عدم مهر هنگام عقد، تکلیف مرد را در پرداخت مهر از بین نمی‌ببرد (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱/ ۱۳۸). مرحوم صاحب جواهر شرط عدم مهر را باطل و مُبطِل عقد دانسته (نجفی، ۱۳۷۸: ۳۱/ ٤۹).

توجه قرآن کریم به مهر نشان از اهمیت آن دارد:

«و آتوالنّساء صدُقاتِهنَّ نِحله» (نساء: ٤) "و مهریه زنان را به عنوان هدیه‌ای تقدیم‌شان کنید". در این آیه، واژه‌های صداق و نِحله و رضایت طرفین در تعیین مهر مورد توجه قرار گرفته (محقق داماد، ۱۳٦۷: ۲۲۳). مهر را از آن‌جهت که علامت صادق بودن علاقهٔ مرد است صداق نامیده‌اند (زمخشری، ۳۹۱: ۱/ ٤٦۹).

«**فما استَمتَعتُم به مِنهُنَّ فآتوهُنَّ اُجورهُنَّ فَریضةً**» (نساء: ۲٤) "و زنانی را که ,به ازدواج، بهره گرفته‌اید، مهرشان را به عنوان فریضه‌ی الهی به آنها بپردازید"

«**و ان طلَّقتُموهُنِّ مِن قَبل اَن تَمَسُّوهُنَّ و قد فَرَضتُم لَهُنَّ فَریضَةً فَنِصفُ ما فَرَضتُم**» (بقره: ۲۳۷) "هرگاه زنان را قبل از همبستری طلاق دادید نیمی از مهر آنان را پرداخت کنید". واژه فریضه از این آیه گرفته شده است (محقق داماد، ۱۳٦۷: ۲۲۳).

ب) حق

حق در لغت به معنای راست، درست (معین، ۱۹۷۲: ۱/ ۱۳٦۳)، ضد باطل، ثابت، واجب آمده است (عمید، ۱۳۸٦: ۱/ ۷۹۹). در اصطلاح عبارت از سلطنتی است که متعلق آن عین است مانند حق تحجیر و حق رهن، یا غیر عین؛ مثل حق خیار، حق قصاص و حق قسم (جابری عربلو، ۱۳٦۲: ۲۸).

حق از جهات گوناگون قابل تقسیم است: **یک**. حق مالی و غیر مالی؛ حق مالی یا عینی

است یا دینی **دو**. حق مطلق و حق نسبی **سه**. حق الله و حق الناس، حق الناس مثل حق قصاص که توسط صاحب حق قابل اسقاط است؛ حق الله مثل نماز، روزه، حج، جهاد و... با اسقاط عبد ساقط نمی‌گردد (جابری عربلو، ۱۳٦۲: ۸۷؛ موسوی خمینی، ۱۳٦۰: ٤/ ۲۲۷).

ج) حبس

حبس در لغت به معنای بازداشتن و منع در مقابل اطلاق و رها کردن آمده است (ابن منظور، ۱٤۱٤: ٤٤؛ طریحی، ۱۳۷۵: ٦۰؛ حمیری، ۱٤۲۰: ۱۳۱۰).

۱. حق حبس

حق امتناعی است که هر یک از دو طرف معامله در جایی‌که طرف دیگر مورد تعهد خود را تسلیم نمی‌کند پیدا می‌کند (آراد، ۱۳٤۱: ٦۸). از نظر اصطلاح حقوقی حقی است‌که به بایع و مشتری داده می‌شود برای خودداری از تسلیم (مصطفی «منصورالسلطنه»، بی‌تا: ۲۷۱).

حق حبس در عقد نکاح، حق خودداری زن از همبستری با شوهر است و تکالیف دیگر زن مانند حسن معاشرت و... را در بر نمی‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۲٦). در حقیقت حق حبس وسیله‌ای است که با به کار بستن آن زن می‌تواند مهریه خود را دریافت کند. امتناع از تمکین مانع حق نفقهٔ زن نمی‌گردد. مراد از تمکین، تمکین خاص «نزدیکی» و مراد از امتناع حق حبس می‌باشد «م۱۰۸۵ قانون مدنی». برخی حق حبس‌را علاوه بر مقاربت، شامل نرفتن زن به اقامتگاه شوهر نیز دانسته‌اند (شایگان، ۱۳۲۲: ۱/ ۷۸۷). حق حبس در فقه، به حق امتناع تعبیر گردیده (محقق کرکی، ۱٤۱٤: ۱۳/ ۳۵۵؛ عاملی، ۱۳۹۸: ۳۷۰) و ریشه در حقوق رم دارد (سنهوری، ۱۹۵۸: ۲/ ۱۱۲٤).

۱-۱. ماهیت حق حبس

برخی حق حبس را - به دلیل اینکه توسط صاحب آن قابل اسقاط است - حق الناس می‌دانند (شهبازی، ۱۳۸۷: ۲۱).

در فقه اسلامی از آن به حق عینی تعبیر شده؛ برخی حقوق‌دانان اروپایی آن‌را حق دینی شمرده‌اند (آراد، ۱۳٤۱: ٦۳).

۲-۱. مبنای حق حبس

مبنای حق حبس در نکاح، معاوضی شمردن آن است؛ حق حبس در ماده ۳۷۷ قانون مدنی ایران در عقود معاوضی مورد توجه قرار گرفته «هریک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود و...».

براساس وحدت ملاک ماده ۳٦۷ قانون مدنی ایران و پیرو احکام عقود معاوضی «تسلیم عبارت است از دادن مبیع به تصرف مشتری به نحوی که متمکن از انحای تصرفات و انتفاعات باشد و قبض عبارت است از استیلای مشتری بر مبیع»، تسلیم مهر عملی قائم به زوجین می‌باشد که به اعتبار شوهر تسلیم و به اعتبار زوجه قبض می‌گردد (آراد، ۱۳٤۱: ٦۹). عقد نکاح به شرط ذکر صداق در آن معاوضی شمرده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۵: ۱۳۳- ۱۳٤). در حقوق جدید معاوضی بودن عقد نکاح برخلاف روح قانون، عرف و از میان رفتن ارزش و قداست عقد نکاح به شمار رفته ولی حق حبس در نکاح، به عنوان یک قاعدهٔ استثنایی و غیر قابل توسعه و تفسیر موسع پذیرفته شده (صفایی و امامی، ۱۳۸۰: ۱٦۰) و بعید نیست در نکاح که یک معاوضهٔ حقیقی نیست حق حبس اختصاص به زن داشته باشد و در مشابهت آن با معاوضه کافی است که فقط یک طرف دارای چنین حقی باشد (نجفی، ۱۹۸۱: ۳۱/ ٤۲).

۱-۲-۱. دلایل غیر معاوضی بودن عقد نکاح

یک. استخدام کلمهٔ نحله در آیه ٤ سوره مبارکه نساء «**و آتوالنِّساء صَدُقاتِهِنَّ نِحله** ....»، نحله به معنای بخشش و عطیه (راغب اصفهانی، ۱٤۱۲: ۷۹۵) - عطیه بدون عوض (ابن منظور، ۱٤۱٤: ۳/ ۷۹۵). عطای با طیب خاطر بدون مطالبه، (واسطی، ۱٤۱٤: ۵/ ٤۰۲) و عطیهٔ مجانی است (طباطبایی، ۱۳۷٤: ٤/ ۲٦۹).

دو. تمکین و مهر دو مقولهٔ جدا و مستقل از هم هستند و عقد نکاح مانند عوض در

معاملات نیست؛ حمل عقد نکاح بر عقود معاوضی قیاس و مردود است (بحرانی، ۱٤۰۵: ۲٤/ ٤٦۰-٤٦۹). حکم ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی خاص و قیاس آن با سایر عقود معاوضی از جمله بیع، نادرست است (کاتوزیان، ۱۳۵۷: ۱۳۰).

سه. دلایل آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی بر رد معاوضی شمردن عقد نکاح: ۱). اگر عقد نکاح، معاوضه حقیقی باشد، باید مهر به عنوان عوض معلوم و معین باشد، در حالی‌که تعیین و معلوم بودن مهر در عقد نکاح واجب نیست. ۲). در عقود معاوضی، فاسد بودن عوض موجب فساد عقد می‌گردد لیکن فاسد بودن مهر موجب ابطال عقد نکاح نمی‌گردد. ۳). عقد نکاح اگر معاوضی باشد یکی از شرایط صحت انشای آن، با الفاظ مخصوص مانند آجرتک است ولی در نکاح استفاده از آن الفاظ درست نیست. ٤). خیار غبن از ویژگی‌های عقود معاوضی است؛ بنابراین در عقد بیع خیار غبن وجود دارد ولی در عقد نکاح وجود ندارد (مکارم شیرازی، ۱٤۲۲: ٦/ ۵۳). بنابراین سخن برخی دانشمندان عامه که «خداوند مهر را عوض قرار داده و احکام عوض در معاملات را بر آن بار نموده؛ بر مرد واجب است به خاطر تسلط بر زن و برقراری رابطهِ مالک و مملوک بین زوجین، آن‌را پرداخت کند» یا «خداوند مهر را عوض قرار داده و احکام عوض در معاملات را بر آن حاکم نموده - به خاطر تسلط یافتن مرد بر زن - تا با پرداخت آن رابطهِ مالک و مملوک بین زوجین برقرار گردد» (ابن العربی، ۱٤۱٦: ۱/ ٤۱٤). درست نیست؛ زیرا نفس معاوضی شمردن عقد نکاح محل اختلاف است و از قداست و ارزش آن می‌کاهد.

۳-۱. شرایط حق حبس

اول. مهر در هنگام عقد نکاح مورد رضایت زوجین قرار گیرد و معین گردد به گونه‌ای که رفع جهالت کند (ابوالقاسم، ۱٤۰۳: ۱-۲/ ٥٤٦؛ حلی، ۱٤۱۰: ۲/ ٥۷٦).

دوم. زوجه با زوج مقاربت نکرده باشد «ماده ۱۰۸۵ق.م» (نیکوند، ۱۳۹٤: ۱۰۹؛ شیخ مفید، ۱٤۱۰: ٥۱۰؛ عاملی «شهید ثانی»، بی‌تا: ٥/ ۳۷۱).

سوم. مهر حال باشد - مؤجل نباشد (طاهری، ۱٤۱۸: ۳/ ۱۷۳؛ عاملی «شهید ثانی»، همان: ۳۷۰).

با عنایت به اینکه در مهر حال و عندالمطالبه، زوجه پس از عقد حق حبس و حق مطالبه پیدا می‌کند و در صورت مطالبهٔ زوجه اگر مرد غنی باشد باید پرداخت کند و چنانچه مرد فقیر باشد و توان پرداخت نداشته باشد، به او مهلت داده شود تا استطاعت مالی پیدا کند، این باعث تبدیل مهر از عندالمطالبه به عند القدره و عندالاستطاعه می‌گردد و عملاً طرفین راضی به مؤجل شدن مهر می‌گردد؛ و یکی از راه‌های پرداخت قسطی کردن مهر است؛ طبیعی است که تصفیهِ کامل مهر و پرداخت آخرین قسط زمان می‌برد و امکان دارد سال‌ها طول بکشد ولی فرایند طولانی پرداخت مهر مانع حق حبس زوجه نمی‌گردد؛ زیرا در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی ایران که مقرر نموده «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند و...» تأخیر مدت پرداخت مهر، باعث از بین رفتن حق امتناع زوجه نگردیده است. همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شمارهِ ۷/۱۰۲۰ مورخ ۸۱/۲/۳۱ آورده است «در مواردی که دادگاه یا اجرای ثبت به درخواست شوهر و به دلیل اعسار مهلت عادله می‌دهد یا قرار اقساط می‌گذارد، نباید مهررا مؤجل پنداشت، زیرا اجلی که بدین گونه بر زن تحمیل می‌شود حاکی از اراده وی بر سقوط حق حبس نیست. بنابراین، حق حبس زن محفوظ است» (ایرانی ارباطی، ۱۳۹۲: ۱/ ٤۲). شهید ثانی صاحب شرح لمعه نیز حق حبس را برای زن پذیرفته است (عاملی «شهید ثانی»، همان: ۵/ ۳۷۰). از میان فقیهان امامیه، حضرات آیات عظام سیستانی دام ظله، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی و موسوی اردبیلی‌ﷺ اعتقاد به حق حبس زن تا پایان پرداخت کامل مهر دارند؛ لیکن آیات عظام بهجت، مکارم شیرازی، نوری همدانی، و هاشمی شاهرودی با صدور حکم اعسار و تقسیط مهریه، حق حبس زوجه را با پرداخت اولین قسط ساقط می‌دانند."قابل یادآوری است در تاریخ۱۳۸۷/۸/۲٦ جناب مکارم شیرازی توسط نامه‌ای به آقای شاهرودی ضمن زیر سؤال بردن اصل حق حبس در نکاح خواستار اصلاح مقررات شده به گونه‌ای که با دریافت اولین قسط حق حبس زوجه زایل گردد" (میرداداشی، ۱۳۹۱: ۲/ ۱۸ به نقل از گنجینه آرای فقهی قضایی، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، کد ۳۰۰)."

۴-۱. حدود حق حبس

ظاهر مادهِ ۱۰۸۵ قانون مدنی ایران دلالت بر تمکین عام می‌کند، زیرا جملهٔ «ایفای وظایف» در ماده مذکور تمکین عام و خاص را شامل می‌گردد (شایگان، ۱۳٤۸: ۱/ ۱٤٤). لیکن سابقهٔ تاریخی مادهٔ ۱۰۸۵ و قرینهٔ موجود در ماده ۱۰۸٦ قانون مدنی ایران نشان‌دهندهٔ توجهِ قانون‌گذار به تمکین خاص می‌باشد؛ همچنین فقیهان امامیه نیز حق امتناع زوجه از تمکین را تنها شامل تمکین خاص دانسته‌اند (نجفی، ۱۹۸۱: ۳۱/ ٤۱؛ عاملی، ۱٤۱۳: ۱/ ٥۱٦؛ آشتیانی، ۱۳۱٤: ۲۷۳). به علاوه؛ مفهوم عرفی تمکین خاص، با اولین نزدیکی حاصل می‌گردد و وظایف دیگر زن در برابر شوهر «تمکین عام» ناظر به تمام دورهِ زناشویی است و با یکبار یا چندبار محقق نمی‌گردند. پس، با یکبار رفتن به محل اقامت شوهر نمی‌توان گفت که زن به ظایف زناشویی عمل کرده و... .

البته جدا سازی وظایف زناشویی از یکدیگر در بعضی موارد دشوار است. زیرا نمی‌توان از زنی‌که در خانهٔ شوهر است و با او زندگی می‌کند، انتظار امتناع از تمکین خاص داشت! برای حل این مشکل، پیشنهاد این است که دادگاه امتناع از رفتن به خانهٔ شوهر را به عنوان لازمهٔ عرفی حق زن در خودداری از تمکین، بپذیرد و آن را نشوز به حساب نیاورد (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱/ ۱٥٥).

۲. حق حبس درعقد نکاح

با توجه به اینکه حق حبس در عقود معاوضی قابل اعمال است و با توجه به اینکه معاوضی شمردن عقد نکاح محل اختلاف است، در اجرای حق حبس در عقد نکاح نیز وحدت نظر وجود ندارد. بنابراین برخی موافق و برخی مخالف حق حبس در عقد نکاح می‌باشند.

۱-۲. موافقین حق حبس

در عقود معاوضی مثل بیع، هر یک از طرفین معامله حق حبس مورد معامله را دارند تا طرف دیگر مورد دیگر معامله را به او تسلیم کند (طوسی، ۱٤۰۷: ۲/ ۱۲۰؛ نجفی، ۱٤۰٤: ٤۳/ ۱٤٦؛

بجنوردی، ۱٤۰۱: ۲/ ۳۹۱). در عقد نکاح نیز به اعتبار اینکه بُضع و مهر وابسته به یکدیگر هستند، قاعدهٔ حبس جاری می‌گردد (امامی، ۱۳۵۷: ٤/ ۳۹٤؛ حلی، ۱۳۷۷: ۲/ ۳٦٦-۳٦۷؛ نجفی، همان) و حق حبس در عقد نکاح مانند حق جبس بین خریدار و فروشنده می‌باشد (محقق قمی، ۱٤۱۳: ٤۲۵؛ علامه حلی، ۱٤۱۲: ٥٤٦). حق حبس زوجه در عقد نکاح اجماعی است خواه زوج غنی باشد یا فقیر (حلی، بی‌تا: ۲/ ٦۲٦ و ٥۹٤؛ عاملی «شهید اول»، ۱٤۱۰: ۱۸۵؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۳۱/ ٤۱؛ حلی، ۱۳۷۷: ۲/ ٥٤۲،؛ شهید ثانی، ۱۳۸٤: ۲/ ۱۰۳؛ موسوی خمینی، ۱٤۰۳: ۲۸٦/۲؛ اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲٦٦). ناتوانی مرد در پرداخت مهر و معسر بودن او، حق مطالبهٔ زوجه را از مهر از بین می‌برد، حق امتناع از تمکین را سلب نمی‌کند؛ زیرا تلازم بین عدم حق مطالبه و امتناع زن از تمکین وجود ندارد (عالمی، عالی، رساله شماره ۷۳۵) و منع مطالبهِ مهر مقتضی وجوب تسلیم زن قبل از قبض عوض نمی‌باشد (عاملی، ۷۳٤ -۷۸٦: ٥/ ۳۷۰) پس زوجه تا دریافت مهر حق امتناع از تمکین دارد «اطلاق ماده ۱۰۸۵قانون مدنی - ... شوهر مُعسِر باشد یا قادر بر تادیه...» و عدم این حق موجب عسر و حرج زن می‌گردد زیرا بضع دارای عوض است (نجفی، ۱۹۸۱: ۳۱/ ٤۱ و ٤۲) و حق حبس ضمانت اجرای دریافت مهر می‌باشد (شایگان، ۱۳۲۲: ۱٥۳). ابن ادریس حلی بین مطالبهِ مهر و امتناع از تمکین تلازم را قبول نموده، بدین‌ترتیب معسر بودن زوج مانع مطالبهٔ مهر و حق حبس می‌باشد (حلی، ۱٤۱۰: ۲/ ٥۹۱). بنابراین، در صورتی‌که مهر حال باشد، زن پس از عقد نکاح بلافاصله حق مطالبهِ مهر پیدا می‌کند و چنانچه مهر را مطالبه نمود زوج مکلف است آن‌را پرداخت کند؛ در صورت خودداری زوج از پرداخت مهر، زن حق دارد امتناع از تمکین کند؛ شوهر نمی‌تواند پرداخت مهر را موکول به تمکین زن کند. حق امتناع برای زن تا زمان دریافت مهریه است و از موارد نشوز به شمار نمی‌رود تا باعث سقوط نفقهِ وی‌گردد (رای وحدت رویه ۱۳۷۸: /۱٤/۲).

همچنین زمانی‌که اولیاء دختر ضعیف و بیمار یا مشغول به تحصیل در دبیرستان به خاطر رفع ضعف یا تمام شدن دورهٔ دبیرستان دختر، نزدیکی باوی را تا پس از یکسال یا بیشتر شرط می‌کند، حق حبس دختر باقی است و شوهر حق ندارد پرداخت مهر را موکول به تمکین کند (امامی، ۱۳۸۸: ٤/ ٤٦۲).

عده‌ای گفته‌اند اگر زن با علم به عسر زوج با او ازدواج کند، حق حبس ندارد؛ زیرا اقدام علیه خود نموده؛ اما اگر بدون علم به عسر زوج با وی ازدواج نماید، حق حبس دارد (میرداداشی، ۱۳۹۱: ١٤).

در موارد ذیل حق حبس وجود ندارد

الف) زوجین هنگام عقد نکاح روی مهر معین توافق نکرده باشند یا عدم مهر را شرط نموده باشند.

ب) زن قبل از بکار بستن حق حبس با شوهر نزدیکی کند، مطابق ماده ١٠٨٦ قانون مدنی ایران که مقرر داشته «اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود به ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمی‌تواند از حکم ماده قبل استفاده کند، معذلک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد»، نزدیکی زن قبل از دریافت مهر باعث از بین رفتن حق حبس وی می‌گردد. مشهور فقیهان یکبار نزدیکی زن را باعث از بین بردن حق حبس دانسته‌اند (انصاری، ١٤١٥: ٢٦٥). قانون‌گذار در این موضوع از قواعد عمومی معاملات مُعوَّض استفاده نموده است (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱/ ۱۵۹).

برخی فقیهان، با یکبار تمکین حق حبس زوجه را ساقط ندانسته و زوجه را پس از یکبار نزدیکی، صاحب حق امتناع از نزدیکی مجدد تا دریافت مهر دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۸: ٤/ ۳۱۳). زیرا منفعت ناشی از آمیزش در طول زمان تجدید می‌گردد و نمی‌توان ادعا کرد که تمام منفعت بایکبار آمیزش به مرد داده شده است. یکی از عوضین منفعت است که قابلیت تجدید دارد، مانند اعیان خارجی نیست که با یکبار قبض گردد؛ مهر در عوض تمام منفعت است و تمام منفعت با یکمرتبه تمکین، قبض و حاصل نمی‌گردد (نجفی، ۱۹۸۱: ۳۱/ ٤٤) همچنین نکاح عقد مستمر است؛ قاعده حقوقی در عقود مستمر اقتضا می‌کند که زوجه بتواند در ادامه ایام زندگی از حق حبس استفاده کند تا صداق خود را دریافت کند (جعفری لنگرودی، همان: ۱۳۵). قانون مدنی در ماده ١٠٨٦ این نظر را به تبعیت از نظر مشهور فقیهان نپذیرفته (انصاری، ١٤١٥: ٢٦٥) و تمکین خاص را حتی با یک مرتبه، باعث سقوط حق حبس شمرده است (کاتوزیان، همان: ١٦٠).

تمکین عام با یکبار محقق نمی‌شود؛ نمی‌توان گفت که زن با یکبار رفتن به خانهٔ شوهر به وظایف زناشویی خود عمل کرده ولی مفهوم عرفی تمکین خاص با یکبار نزدیکی تحقق پیدا می‌کند. به همین علت است که با یکبار مقاربت تمام مهر بر ذمهِ شوهر استقرار می‌یابد.

باید توجه داشت، با اجبار و اکراه زوجه به مقاربت با زوج، حق حبس وی از بین نمی‌رود. زیرا، حق حبس در اثر عقد به وجود آمده و جز به رضایت صاحب آن نمی‌توان آن‌را ساقط کرد؛ در اکراه و اجبار رضایت وجود ندارد؛ وادار یا محبور ساختن زن به تمکین اجباری، تصرف بدون مجوز قانونی و فاسد است – تصرف فاسد اثر فاسد به دنبال دارد (عاملی، «شهید اول»، همان: ۳۷۲).

ج) در صورتی‌که مهر در عقد نکاح مؤجل باشد حق حبس وجود ندارد. زیرا موافقت زن به پرداخت مهر در مدت معین، به معنای موافقت در سقوط حق حبس می‌باشد «ماده۱۰۸۵ ق.م» (کاتوزیان، همان: ۱۵۸).

صاحب جواهر﵀ این احتمال را که با حال شدن مهر حق امتناع برای زن برمی‌گردد، بعید ندانسته؛ زیرا قبل از حال شدن مهر، مانع از حق حبس زن «مدت» وجود داشت، وقتی مدت سرآمد و مانع برداشته شد، حق امتناع و حبس برمی‌گردد (نجفی، همان: ۳۲).

اگر چنانچه زوجین در عقد نامه ذکر کنند که شوهر عندالقدره و الاستطاعه بپردازد؛ آیا عدم وجود شرط هنگام بستن نکاح، باعث از بین رفتن حق حبس زن می‌گردد؟ اینجا باید دادگاه احراز کند که شوهر در هنگام عقد توان پرداخت نداشته و دو طرف به خاطر دادن مهلت چنین شرطی نموده‌اند. این توافق باعث سقوط ضمنی حق حبس زن می‌گردد و استطاعت مالی پیدا کردن شوهر پس از عقد نکاح، حق حبس ایجاد نمی‌کند؛ این شبیه موردی است‌که از ابتدا به شوهر برای پرداخت مهر مهلت داده شده باشد. اما چنانچه دادگاه احراز نکند که توافق در مورد شرط به منظور وضع کنونی شوهر و دادن مهلت به او بوده و دو طرف می‌خواسته در مورد وضعیت احتمالی آینده تصمیم بگیرند، در این‌صورت دادگاه وجود شرط را دلیل بر اسقاط ضمنی حق حبس نمی‌شمرد. همچنان اگر دادگاه یا اجرای ثبت، به درخواست شوهر مبنی بر اعسار او به او مهلت دهد یا قرار اقساط گذارد، نباید مهر را مؤجل

پنداشت. زیرا، اجلی که بدین گونه بر زن تحمیل می‌گردد، حکایت از ارادهٔ او بر سقوط حق حبس نمی‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹٤: ۱/ ۹۹).

د) اگر زوجین روی پرداخت مهر به صورت اقساطی توافق کنند یا شوهر از پرداخت برخی اقساط تخلف ورزد، زوجه حق حبس ندارد. زیرا زوجه موافقت خود را در پرداخت مهر به صورت اقساطی و تن دادن به تمکین اعلام نموده و از حق حبس چشم پوشی کرده است (زمانی دادمرزی، همان: ٤٨؛ محقق داماد، ۱۳٦۷: ۲۵۰).

۲-۲. مخالفین حق حبس

حق حبس دو طرفه و در عقود معوض قابل اعمال است؛ این حق برای زوجه - به صورت یک‌طرفه در عقد نکاح که معوض نیست - امکان ندارد؛ بنابراین مفاد ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی ایران، دلالت بر حق حبس زوجه نمی‌کند (جعفری لنگرودی، ۲۵۳۵: ۱۳۲).

صاحب نهایة المرام نوشته؛ نصی برای حق حبس زوجه پیدا نکردیم، تعهد زن تسلیم خود به شوهر است و تعهد مرد تسلیم مهر به زن؛ کوتاهی هر کدام نسبت به تعهد خود معصیت محسوب می‌گردد و با عمل نکردن یکی تعهد طرف دیگر از بین نمی‌رود (موسوی عاملی، ۱٤۱۱: ۱/ ٤۱۳؛ آشتیانی، بی‌تا: ۲۹۰ و ۲۹۱).

برخی فقیهان علی رغم اینکه عقد نکاح را باعث وجوب استحقاق مرد بر بضع و استحقاق زن بر مهر دانسته، امتناع یکی را موجب حق امتناع دیگری نمی‌داند (بحرانی، ۱٤۰۵: ۲٤/ ٤٦۱)، چه اینکه مرد موسر باشد یا مُعسِر، مهر و تمکین با هم ارتباط ندارند؛ در نهایت زوجه به شرط موسر بودن زوج حق مطالبه دارد و در صورت مطالبه و عدم پرداخت زوج، می‌تواند علیه وی شکایت کند و در صورت لزوم او را توسط دادگاه به زندان فرستد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ٦/ ٥٤).

برخی دیگر در پرداخت مهر بین موسر بودن زوج و معسر بودن وی تفاوت گذاشته‌اند. بنابراین، اگر مهر حال باشد و زوج موسر، زن حق امتناع دارد، اما اگر زوج معسر باشد، زوجه باید صبر کند تا زوج غنی شود و حق اجرای حبس ندارد (حلی، ۱٤۱۱: ۲/ ۵۹۱).

۳. اثر مهر در حق حبس

نکاح نهاد مستقل است و ارتباط با مهر ندارد. بنابراین عدم توافق بر تعیین مهر، عدم پرداخت آن توسط شوهر و حتی شرط عدم پرداخت آن، نکاح را باطل نمی‌کند و حق امتناع زوجه از تمکین تا دریافت مهرالمسمی می‌باشد. اما سبب استحقاق زوجه در گرفتن مهرالمثل، نزدیکی او با زوج است – نه عقد نکاح؛ زیرا انحلال نکاح یا فوت زن قبل از نزدیکی، حقّی برای او ایجاد نمی‌کند و برطبق قواعد عمومی معاوضه، حقی مبنای ایجاد حق حبس می‌گردد که قابل مطالبه باشد؛ حق زن بر مهر المثل منوط و مُعلَّق بر وقوع نزدیکی است (کاتوزیان، همان: ۱/ ۱۶۱).

۴. صلاحیت زوجین در حق حبس

در معاملات مُعَوِّض مثل بیع، حق حبس برای طرفین معامله به صورت مساوی می‌باشد «هریک از طرفین معامله حق دارد تا حصول اطمینان به دریافت و تسلیم شدن عوض مالش از تسلیم مال خود امتناع کند». ماده ۳۷۷ قانون مدنی ایران در مورد عقد بیع است ولی مخصوص آن نیست؛ مهر که جنبهٔ فرعی در نکاح دارد از نظر فن حقوقی مانند موقعیت عوض در عقد مُعَوَّض است و بین مهر و بُضع وابستگی است و قاعدهٔ حبس از خصایص عقود مُعَوَّض است (امامی، ۱۳۸۸: ٤٥٩). شاید به همین دلیل برخی حقوق‌دانان – با استفاده از مفاد مادهِ ۱۰۸۵ قانون مدنی ایران – حق حبس را صرفاً برای زوجه دانسته و نسبت به حق حبس زوج سکوت نموده‌اند (کاتوزیان، همان: ۱۲۷). صاحب کتاب کشف اللثام گفته، بعید نیست که زوجه قبل از مقاربت مجبور به پرداخت مهر گردد، زیرا ظهور مشکل در پرداخت مهر – برخلاف بضع، قابل جبران است (اصفهانی، ۱۰۸٦ –۱۱۳۱: ۷/ ٤۰۹؛ عاملی، ۱٤۱٦: ۸: ۱۹٤).

برخی دیگر حق حبس در نکاح را قاعدهٔ استثنایی شمرده و قاعدهِ استثنایی فقط در جایی قابل اعمال است که دلیل وجود داشته باشد (صفایی و امامی، ۱۳۸۹: ۱٦۲).

با وجود این، برخی ممکن است اولویت حق حبس را برای زوجه ملاحظه نکنند و به سبب اصرار هریک از زوجین بر حق حبس، اختلاف پیدا شود، برای برون رفت از نزاع و اختلاف راه‌های ذیل پیش‌بینی گردیده‌اند:

یک. امینی تعیین گردد و با توافق زوجین مهر نزد او به امانت گذاشته شود، پس از اینکه زن تمکین نمود، امین مهر را به زن تسلیم کند، بدین‌ترتیب، در عمل شوهر ناچار است که مهر را پیش از تمکین زن به او بپردازد (فیض کاشانی، ۱٤۰۱: ۲۸۰).

این توجیه در صورتی درست است که حق حبس زوجه‌را در اولویت بگیریم و الا اگر جایگاه جقوق زوجین مانند جایگاه عوضین در عقود معوض باشد حق اولویت برای حق حبس زوجه وجود نخواهد داشت (اصفهانی، همان؛ عاملی، همان).

دو. هر یک از زوجین زود تر به تعهد خود عمل کند می‌تواند اجبار دیگری را بخواهد (کرکی «محقق ثانی»، ۱۳٦٦: ۲/ ص.٤۱۷).

۵. حق حبس با مهر فاسد

تلازم بین فساد مهر و فساد عقد به دلایل ذیل وجود ندارد:

۱). مهر عِدل عقد نکاح نیست تا فساد آن موجب فساد نکاح گردد. ۲). تخریب و زیان فساد نکاح به مراتب بیشتر از فساد مهر است. ۳). مهر از مقتضیات ذات عقد نیست تا فساد آن صحت عقد نکاح را مخدوش کند. ٤). مهر رکن عقد نکاح نیست.

۵). اسباب عقد نکاح منحصر در فوت یکی از زوجین، فسخ، طلاق و بذل مدت در عقد منقطع می‌باشد «مادهِ ۱۱۲۰ قانون مدنی» (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۷۲). مرحوم صاحب جواهر﵀، فساد مهر را باعث فساد عقد دانسته است (نجفی، ۱۹۸۱: ۳۰/ ۱۸۳).

نتیجه

در تحقیق حاضر، حق حبس زوجه در عقد نکاح مورد بررسی قرار گرفته است؛ حق حبس در عقود معاوضی مثل بیع، جاری می‌گردد، شمردن عقد نکاح از عقود معاوضی محل اختلاف است؛ عده‌ای عقد نکاح را - به دلایلی، مانند در عقد معاوضی، مورد معامله باید معین و معلوم باشد؛ مغبون حق فسخ پیدا می‌کند؛ توجه طرفین بیشتر به منافع مالی است؛ جایگاه عقد نکاح بالاتر از عقود معاوضی است و ... -، عقد معاوضی نشمرده‌اند. بعضی

مهر را در برابر بضع قرار داده و عقد نکاح را معاوضی و دارای حق حبس دانسته‌اند. عده‌ای زوجین را متعهد به ادای تکلیفی می‌دانند که بر عهدهٔ آنان است؛ «زوجه متعهد به تمکین است و زوج متعهد به پرداخت مهر، هر کدام زودتر اقدام به انجام تعهد نمود، دیگری مکلف به ایفای تعهد خویش است». دستهٔ دیگر بین فقر و غنای زوج فرق گذاشته و زن را نسبت به زوج غنی دارای حق مطالبه می‌دانند. مشهور حق حبس زوجه را صرفاً شامل تمکین خاص به شرط حال بودن مهر و عدم مقاربت با زوج دانسته‌اند.

در تحقیق حاضر، وجود حق حبس برای زوجه - با استناد به نظر مشهور فقیهان امامیه، حقوق‌دانان و مفاد روایات حضرات معصومین علیهم السلام - در عقد نکاح تبیین گردیده است؛ زیرا در عقد نکاح زوجه مالک مهر می‌گردد و حق تصرف در آن پیدا می‌کند؛ میزان ریسک زوجه در عقد نکاح بیشتر از زوج است؛ تن دادن زوجه به نزدیکی قبل از دریافت مهر امکان محرومیت او را از مهر در پی خواهد داشت و در نهایت حضرات معصومین علیهم‌السلام توصیهٔ اکید بر پرداخت مهر زوجه قبل از مقاربت با وی نموده‌اند؛ از جمله، امام باقر علیه‌السلام فرمود؛ دوست ندارم مردی بازنش نزدیکی کند مگر این که یک سوره از قرآن به او بیاموزد یا چیزی به اندازهٔ یکدانه خرما یا کشمش به او عطا کند و رضایت وی را جلب نماید (عاملی، ۱۳۷۸: ۱۵/ ۱۲). و روایت دیگری از آن‌حضرت - که توسط مرحوم ابن ادریس مورد استناد قرار گرفته - پرداخت مهر را قبل از دخول مستحب شمرده و در صورت عدم توان زوج بر پرداخت کل مهر، توصیه به هدیهِ چیزی نموده است (حلی، ۱٤۱۰: ۲/ ۵۸۱).

بنابراین، علی رغم اینکه عقد نکاح را از عقود معاوضی ندانیم، با حق حبس برای زوجه - به حیث حق یکطرفه، اولویت و استثنا - به عنوان ضمانت اجرای تحصیل«مهر»، منافات ندارد.

کتابنامه

قرآن کریم

قانون مدنی

آشتیانی، محمدحسن، **کتاب النکاح**، قم، دارالهجر، ۱۳۱٤ق.

ابن العربی، ابوبکر محمد بن عبدالله، **احکام القرآن**، بیروت، دارالکتب العملیه، ۱٤۱٦ق.

ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین، **لسان العرب**، بیروت، دار اصدار، چاپ سوم، ۱٤۱٤ق.

ابوالقاسم نجم‌الدین، جعفر بن الحسن، **شرائع الاسلام**، تهران، انتشارات استقلال، چاپ سوم، ۱۹۸۳-۱٤۰۳ق.

اصفهانی، ابوالحسن، **وسیله النجاه**، قم، دارالعلم، ۱۳۸۵.

اصفهانی، بهاءالدین، **کشف اللثام عن قواعد الاحکام**، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۰٦۲-۱۱۳۷ق.

امامی، حسن، **حقوق مدنی**، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۵۱.

امامی، سید حسن، **حقوق مدنی**، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ بیستم، ۱۳۸۸.

انصاری، مرتضی، **کتاب النکاح**، قم، مؤسسه الهادی، ۱٤۱۵ق.

ایرانی ارباطی، بابک، **مجموعه نظرهای مشورتی حقوقی**، تهران، مجد، چاپ چهارم، ۱۳۹۲.

بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، **الحدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱٤۰۵ق.

جابری عربلو، محسن، **فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی**، تهران، امیرکبیر، ۱۳٦۲.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **حقوق خانواده «دوره متوسط حقوق مدنی»**، تهران، چاپخانه حیدری، ۲۵۳۵.

حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.

حلی، بن احمد بن ادریس، **کتاب السرائر**، قم، مؤسسهٔ النشرالاسلامی، چاپ دوم، ۱٤۱۰ق.

حلی، حسن بن یوسف، **مختلف الشیعه**، مرکز ابحاث و الدراسات اسلامیه، چاپ اول، ۱٤۱۲ق.

حلی، علامه، **تبصره المتعلمین**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

حلی، محقق، **شرائع الاسلام**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، بی‌تا.
حمیری، نشوان بن سعید، **شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم**، بیروت، دارالفکر المعاصر، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ القرآن**، بیروت، دارالشامه، ١٤١٢ق.
زمانی‌دادمرزی، محمدرضا، **مهریه**، تهران، بهنامی، چاپ دوم، ١٣٨٦.
زمخشری، محمود بن عمر بن محمد، **کشاف زمخشری**، تهران، ققنوس، ١٣٩١.
سنهوری، عبدالرزاق، **الوسیط**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ١٩٥٨.
شایگان، سیدعلی، **حقوق مدنی ایران**، تهران، ١٣٤٨.
شهبازی، عبدالوهاب، **حق حبس در عقد نکاح**، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ١٣٨٦.
شیخ مفید، محمد بن محمد نعمان، **مقنعه**، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ١٤١٠ق.
صفایی، حسین و اسدالله امامی، **مختصر حقوق خانواده**، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ١٣٨٩.
طباطبایی، محمدحسین، ١٣٧٤، **ترجمه تفسیرالمیزان**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ١٣٧٤.
طریحی، فخرالدین بن محمد، **مجمع البحرین**، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ١٣٧٥.
طوسی، ابوجعفرمحمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ١٤٠٧ق.
عاملی، زین‌الدین «شهید ثانی»، **شرح لمعه**، تهران، انتشارات اسلامی، ١٣٨٤.
ـــــــــــ، **مسالل الافهام**، مؤسسه معارف اسلامی، ١٤١٦ق.
عاملی، محمد بن مکی «شهید اول»، **اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه**، بیروت، دارالتراث الدار الاسلامیه، چاپ اول، ١٤١٠ق.
عدل، مصطفی «منصورالسلطنه»، **حقوق مدنی**، بی‌تا.
علمی، عالی، **رساله شماره ۷۳۵**، تهران، دانشکده حقوق
عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، تهران، مؤسسه انتشارات بابک، چاپ هشتم، ١٣٨٦.
فیض کاشانی، ملامحسن، **مفاتیح الشرایع**، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ١٤٠١ق.
کاتوزیان، ناصر، **حقوق مدنی (خانواده)**، تهران، بهمن برنا، چاپ سوم، ١٣٧١.

ـــــــــــ، **حقوق مدنی (خانواده)**، تهران، مؤسسه نشر یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۸.
ـــــــــــ، **فرهنگ کاتوزیان**، تهران، نشر دادگستر، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
ـــــــــــ، **عقود معین**، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سیزدهم، ۱۳۹٤.
محقق داماد، سید مصطفی، **بررسی فقهی حقوق خانواده- نکاح و انحلال آن**، قم، ایران، چاپ اول، ۱۳۸۷.
محقق قمی، میرزای قمی (ابوالقاسم)، **جامع الشتات**، تهران، مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱٤۱۳ق.
محقق کرکی، نورالدین علی بن حسن، **جامع المقاصد فی شرح قواعد**، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱٤۱٤ق.
محقق کرکی«ثانی»، نورالدین علی بن حسن، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۳٦٦.
مطهری، مرتضی، **فقه و حقوق «مجموعهٔ آثار»**، قم، ایران، چاپ اول، بی‌تا.
مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، قم، انتشارات صدر، چاپ اول، ۱۳۷۸.
مکارم شیرازی، ناصر، **بحوث فقهیه هامه**، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب، چاپ اول، ۱۳۸۰.
ـــــــــــ، **کتاب النکاح**، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب، چاپ اول، ۱۳۷۱.
موسوی خمینی، روح‌الله، **تحریرالوسیله**، تهران، مکتبه الاعتماد، چاپ چهارم، ۱٤۰۳ق.
ـــــــــــ، **رساله نوین**، ترجمه عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، مؤسسهٔ انجام کتاب، ۱۳٦۰.
موسوی عاملی، محمدبن علی موسوی، **نهایة المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱٤۱۱ق.
میرداداشی، سید مهدی، **تبیین فقهی حقوقی شروط ضمن عقد ازدواج و عیوب موجب فسخ نکاح و حق حبس زوجه**، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام**، بیروت، داراحیا التراث عربی، چاپ هفتم، ۱٤۰٤ق.
نیکوند، شکرالله، **حقوق خانواده (ازدواج- طلاق)**، تهران، بهنامی، چاپ دوم، ۱۳۹۵.
واسطی زبیدی محب‌الدین، سید محمد مرتضی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱٤۱٤ق.